



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی

یکصد و سیزدهمین جلسه مورخ ۱۶/۰۸/۱۴۰۳

اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

پاییز ۱۴۰۳

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران، بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۳۹۹۵۱ (۹۸۲۱+)

وب سایت: www.cbi.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسه گزارش	شماره گزارش: ۱۴۰۳/۱۱/۹۶/۱۱۳/۱
عنوان گزارش: مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی* یکصد و سیزدهمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۱۶	
واژگان کلیدی: شورای فقهی، مشروح مذاکرات، قانون بانک مرکزی، وقف پول.	
تاریخ انتشار گزارش: پاییز ۱۴۰۳	

* بر اساس بند «ر» ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات شورای فقهی را بر پایگاه اطلاع‌رسانی خود قرار دهد و برای عموم منتشر نماید. بر این اساس، اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی اقدام به تهیه و تدوین این گزارش نموده است. لازم به ذکر است مصوبات شورای فقهی پس از ابلاغ توسط بانک مرکزی اجرایی می‌گردد.

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست

اسامی حاضرین در جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط) ۴

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع: جمع‌بندی نهایی در رابطه با موضوع وقف پول..... ۵

اسامی حاضرین در جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط) ^۱

۱. آیت الله غلامرضا مصباحی مقدم (ریاست شورای فقهی)
۲. آیت الله محمد سعید واعظی (عضو شورای فقهی)
۳. آیت الله علیرضا اسلامیان (عضو شورای فقهی)
۴. حجت الاسلام والمسلمین مجید رضایی (نایب رئیس شورای فقهی)
۵. آقای دکتر اصغر ابوالحسنی (قائم مقام بانک مرکزی و عضو عضو شورای فقهی)
۶. آقای دکتر فرشاد محمدپور (معاون تنظیم‌گری و نظارت و عضو هیات‌عامل بانک مرکزی)
۷. آقای دکتر عباس عرب‌مازار (مشاور رئیس کل بانک مرکزی)
۸. آقای دکتر حسین صدقی (مدیر کل تنظیم مقررات بانک مرکزی)
۹. آقای دکتر محمدرضا حسینی‌پور (دستیار ویژه قائم‌مقام رئیس کل بانک مرکزی)
۱۰. آقای دکتر حسین میثمی (دبیر شورای فقهی و مدیر اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی بانک مرکزی)
۱۱. آقای مهدی کاظمیان (معاون اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۲. آقای علی نظری (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۳. آقای محمدحسین شمشیری (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۴. آقای کوروش بروجی (محقق اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۵. آقای محمدحسین منصوری (کارشناس گروه مطالعاتی حسابداری مالی اداره مطالعات و مقررات بانکی)
۱۶. آقای دکتر علیرضا رامروز (متخصص حوزه حسابداری)

^۱ از اعضای محترم شورای فقهی بانک مرکزی آقایان آیت الله نظری شاهرودی، دکتر افشار و حجت‌الاسلام والمسلمین باقری بنایی در این جلسه غائب بودند.

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع: جمع‌بندی نهایی در رابطه با موضوع وقف پول

تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید

میثمی: مسئله اصلی در اینجا جمع‌بندی نهایی درباره وقف پول است. پیش‌تر در یکی از جلسات به این موضوع اشاره شد، اما هنوز مصوبه نهایی حاصل نشده است. اگرچه بحث به نوعی جمع‌بندی شد، اما هنوز به مرحله تصویب رسمی نرسیده است. در ادامه، توضیحاتی در این زمینه ارائه شد و نامه‌ای از سوی سازمان اوقاف دریافت گردید که درخواست آنها درباره امکان‌پذیری نوع خاصی از سپرده‌های بانکی وقف شده می‌باشد. نکته مهم در این درخواست تأکید بر دائمی بودن سپرده‌ها و ممنوعیت برداشت از سوی نهادهایی مانند سازمان مالیاتی است، زیرا وقف ذاتاً ماهیتی دائمی دارد و شروط مشخصی برای آن تعریف می‌شود. برخی جنبه‌های این موضوع، نظیر شروط شرعی، به صورت مختصر بررسی گردید. در متن ارائه شده، استفتائاتی از مقام معظم رهبری نیز نقل شده که به عنوان مبنای بحث می‌باشد.

مضمون این دیدگاه تأکید می‌کند که بقاء مالیت پول می‌تواند دلیل قابل قبولی برای صحت وقف آن باشد و این نکته به اختصار بیان شده است. در این جلسه نیز محوریت اصلی بحث همچنان بر اهمیت بقاء مالیت پول متمرکز است. همچنین در این رابطه نامه‌هایی که به دبیرخانه ارسال شده‌اند و پاسخ‌هایی که نیز ارائه گردیده است. از جمله موارد مطرح شده می‌توان به نامه‌ی نخست سازمان اوقاف به بانک مرکزی اشاره کرد و یا نظراتی که بخش حقوقی بانک مرکزی در این رابطه ارائه داد و ملاحظات مرتبط با پولشویی را مطرح نمود. چالش اساسی همچنان یافتن راهکارهایی عملی برای تحقق سپرده‌های وقف شده در سیستم بانکی کشور است. با توجه به ماهیت وقف که باید به نفع عموم و به صورت پایدار مورد استفاده قرار گیرد، سوالاتی مطرح می‌شود از جمله اینکه آیا سازمان‌هایی نظیر سازمان امور مالیاتی حق دخالت در منابع موقوفه را دارند یا برداشت از آن امکان‌پذیر است؟

نظری: بر اساس ظرفیت‌های ذکر شده در جزء ۸ بند الف ماده (۴) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که وظیفه ترویج فرهنگ وقف و حبس پول را برعهده این نهاد گذاشته است و همچنین با استناد به نامه شماره ۴۷۴۳۵۹ مورخ ۲۹ مرداد ۱۴۰۳ از سوی سازمان اوقاف و امور خیریه، دبیرخانه شورای فقهی گزارشی جامع تهیه کرده است. این گزارش به بررسی ابعاد فقهی کاربرد وقف پول در نظام بانکی کشور پرداخته و نتایج آن در یکصد و سیزدهمین جلسه شورای فقهی مورخ ۱۶ آبان ۱۴۰۳ مطرح شده سپرده‌گذاری بر مبنای وقف پول با استناد به فتوای مقام معظم رهبری، امکان‌پذیر شناخته شده است.

رضایی: به بیان دیگر، این نوع سپرده‌گذاری بر مبنای وقف پول قابلیت اجرایی شدن دارد. لازم به ذکر است که برخی از مطالب مطرح شده ممکن است ماهیت اجرایی داشته باشند و نیازمند بررسی دقیقی از جوانب مختلف باشند؛ تا اطمینان حاصل شود که تمام اصول فقهی و قانونی رعایت شده‌اند. همان‌طور که اساتید گرامی در جلسه گذشته به تفصیل اشاره کردند، فتوای مقام معظم رهبری به وضوح بیان می‌کند که در صورت حفظ اصل مالیت و جوه سرمایه‌گذاری شده، وقف پول امری صحیح و مشروع است. اکنون اگر بخواهیم از منظر اجرایی نیز موضوع را بررسی نماییم مثلاً فرض کنیم شخصی به

یکی از بانک‌ها مراجعه کرده و درخواست ایجاد حساب وقف پول داشته باشد، ضروری است که اولاً مقررات مرتبط به صورت دقیق تبیین و ثانیاً مکانیزم‌های نظارتی لازم برای تضمین صحت اجرا و حفظ اعتماد عمومی طراحی شوند. این اقدامات نه تنها به افزایش شفافیت کمک می‌کند، بلکه مسیر را برای توسعه فرهنگ وقف، به ویژه در حوزه اقتصاد، هموارتر می‌سازد.

برای نمونه، اگر فردی بخواهد یک حساب اختصاصی برای وقف ایجاد کند، لازم است این حساب به صورت پیش فرض تحت نظارت سازمان اوقاف، به عنوان یک نهاد حقوقی، تعریف شود. دلیل این امر آن است که تمامی موقوفات کشور بر اساس قوانین موجود، پس از انجام فرآیند وقف، به شکل یک نهاد حقوقی در می‌آیند. به عبارتی، در ابتدا مالکیت به شخص حقوقی منتقل نمی‌شود، اما پس از وقف، موقوفه خود به ماهیت یک شخص حقوقی تبدیل می‌گردد. بنابراین، حساب مذکور نیز در همین چهارچوب به عنوان یک حساب متعلق به شخص حقوقی شناخته خواهد شد. بر همین اساس، جزئیات و ویژگی‌های مربوط به این حساب، شامل مالکیت و جایگاه قانونی آن، باید دقیق و شفاف تعیین شود تا اطمینان و انسجام لازم فراهم گردد. همچنین ضروری است برای چنین حساب‌هایی یک متولی تعیین گردد. در صورتی که افراد مختلف وجوه متنوعی را به این حساب واریز کنند، باید تعیین شود مدیریت این حساب چگونه صورت گیرد. اشاره شده که این سپرده‌ها ماهیت سرمایه‌گذاری دارند و اغلب به صورت قراردادی و کالتی ثبت می‌شوند. بدین ترتیب، وجوه موجود در این حساب‌ها به نوعی به مالکیت خود حساب درآمده و حساب به عنوان یک شخص حقوقی تلقی می‌شود؛ بنابراین، نقش متولی به مدیریت و امضای اسناد مرتبط محدود می‌شود و مالکیت اصلی وجه، دیگر وابسته به شخص واریزکننده نخواهد بود.

به عبارت دیگر، وجهی که مشتری به این حساب واریز می‌کند، پس از انتقال، ارتباط مستقیم خود را با مشتری از دست داده و از او جدا می‌شود. موضوع اصلی این است که باید مشخص گردد که این وجوه عملاً متعلق به چه کسانی می‌باشد. آیا این دارایی‌ها باید به شکل عمومی تلقی شوند یا تحت یک ساختار خاص، ساماندهی گردند؟ برای جلوگیری از ابهام، لازم است که این موارد با دقت بیشتری تعریف شوند تا سازوکارها روشن باشد. وظیفه سازمان اوقاف این است که اطمینان حاصل کند منابع در جهت مناسب و هدفمند استفاده می‌شود. برای مثال، گزارش شده که برخی افراد از این منابع برای خرید آمبولانس بهره می‌گیرند. حال اگر بخواهیم مالیات مربوط به این منابع را در نظر بگیریم، ممکن است نیاز باشد بخشی از پول صرف پرداخت مالیات شود. این مسئله حدوداً از ده تا دوازده سال قبل مطرح شده است. نمونه‌ای که به خاطر دارم مربوط به سال ۸۹ است، زمانی که در همین مورد نیز صحبت‌هایی انجام شد. در بحث سیستم‌های بانکی و وقف‌های موجود در اروپا و آمریکا نیز مشابه این مسائل مشاهده می‌شود. اکنون منابع مالی موجود در کشور باید به گونه‌ای مدیریت شوند که ارزش آنها حفظ شود. در کشورهای دیگر، برای جلوگیری از کاهش ارزش منابع، آنها را به طلا، سهام، اوراق بهادار یا حتی املاک و مستغلات تبدیل می‌کنند. اما در کشور ما این منابع اغلب در حساب‌های سرمایه‌گذاری بانکی قرار می‌گیرند و بانک‌ها با استفاده از این منابع فعالیت می‌کنند و مثلاً سودی معادل بیست و پنج درصد به دست می‌آورند که بخشی از آن برای امور خیریه صرف می‌شود.

چالش اصلی زمانی مشخص می‌شود که تورم کشور مثلاً به چهل درصد برسد. همان‌طور که اساتید هم اشاره کرده‌اند، اگر در شرایط تورم چهل درصدی تنها سود بیست و پنج درصدی به دست آید، ارزش واقعی منابع همچنان کاهش خواهد

یافت و در واقع بخشی از آن از بین می‌رود. سؤال جدی این است که چگونه می‌توان ارزش واقعی منابع را تضمین و حفظ کرد؟ اگر هدف این است که ارزش اصلی سرمایه حداقل با نرخ تورم برابری کند، طبیعتاً سود بیشتری باید حاصل شود تا بتوان از کاهش واقعی ارزش پول جلوگیری کرد. به هر حال، برای حفظ ارزش مالی، گاهی ضروری است که دارایی‌های خود را به کالاهای مطمئن‌تر مثل طلا تبدیل کنیم. مثلاً ممکن است نیاز باشد دارایی‌ها را به طلا یا سهامی که سود بیشتری از نرخ تورم دارد، تغییر دهیم. قصد بنده فقط اشاره به این موارد بود تا بررسی شود آیا این اقدامات در حفظ مالیت طبق فرمایشات مقام معظم رهبری موثر است یا خیر؟

مصباحی‌مقدم: موضوع بحث این بود که پول مصرف می‌شود، یعنی از یک دست به دست دیگر انتقال پیدا می‌کند. هر چند این فرآیند به ظاهر نوعی تلف به شمار می‌رود ولی در واقع موضوع اصلی بقاء مالیت است. بقاء مالیت یعنی اگر چه پول در حال جابه‌جایی است، اما ارزش ذاتی آن حفظ می‌شود. این نکته غیر از مسئله حفظ مقدار مالیت است و ظاهر استفتائات انجام شده نیز همین مفهوم را تأیید می‌کند. اما هر نوع ملک یا مالی که وقف شود ممکن است به مرور زمان و تحت شرایط مختلف ارزش آن کم شود. مثلاً در شرایطی که ثبات پول وجود داشته باشد و امکان استهلاک اموال نباشد، فرض کنید سرمایه‌گذاری مجدد انجام نشود و در این شرایط زمین‌ها یا سایر اموال دچار فرسودگی خواهند شد. زمین نیز برای اینکه دچار استهلاک نشود به سرمایه‌گذاری مداوم نیاز دارد. در غیر این صورت، بازدهی آن کاهش پیدا می‌کند. برای مثال، امسال ممکن است بازدهی زمین بالا باشد، اما بدون رسیدگی کافی، سال بعد بازدهی آن افت خواهد کرد. اگر زمین تحت کاربری مسکونی قرار بگیرد، مسئله فرق می‌کند. اما اگر زمین کشاورزی باشد یا باغ، معمولاً این طور است که زمین نیز مشمول استهلاک می‌شود. حالا اگر فرض کنیم زمین، حیوان، خودرو، قطار، کشتی یا هواپیما مورد نظر باشد، باید توجه کنیم که همه این‌ها به نوعی دچار استهلاک می‌شوند. بنابراین، آنچه از ظاهر استفتاء مقام معظم رهبری مشخص می‌باشد این نیست که ارزش مال حفظ شود، بلکه اشاره به بقاء مالیت دارند؛ چرا که مالیت از بین نرفته و جابجایی خاصی رخ نمی‌دهد.

ابوالحسنی: وقتی بیشتر بررسی کردم و دوباره متن استفتاء را خواندم، متوجه نشدم که حفظ مالیت مورد تأکید می‌باشد. اساساً حفظ مالیت در مورد پول هم با شرایط اقتصادی فعلی ممکن نیست. حتی اگر دارایی به شکل دلار، یورو، سکه یا طلا باشد، ممکن است با وقوع رکود اقتصادی ارزش این دارایی‌ها نیز کاهش یابد، بنابراین حفظ ارزش پول به طور کامل امکان‌پذیر نیست.

نکته دیگری که باید توجه کنیم این است که اگر مالیت از بین برود، مفهوم وقف نیز بی‌معنا می‌شود؛ زیرا وقف حالتی است که در آن دارایی باید مالیت داشته باشد. اما در بررسی این مصوبه و پیشنهادهای اشاره مستقیم به حفظ مالیت وجود ندارد، بلکه بیشتر به بقاء مالیت پرداخته شده است. ما مجموعه‌ای از اوراق داریم که به نام اوراق مصون از تورم شناخته می‌شوند. این اوراق به گونه‌ای طراحی شده‌اند که همراه با پرداخت مبلغ اولیه برای خرید آنها، ناشر موظف است ارزش آنها را مطابق با نرخ تورم بروزرسانی کند. این ویژگی باعث می‌شود که سرمایه‌گذاری در این اوراق، به نوعی از اثرات تورم در امان بماند. نکته مهم این است که در این ساختار، ممکن است تمامی عملیات در بانک انجام نشود و مسائل مالیاتی نیز به نحوی متفاوت مدیریت شوند.

زمانی که چنین اوراقی منتشر می‌شود، وارد تعهدی می‌گردیم که اگر ارزش اوراق تحت تأثیر تورم کاهش پیدا کند، ناشر مسئول جبران آن خواهد بود. مسئله دیگر مربوط به حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری است که ممکن است به صورت کوتاه مدت یا بلند مدت طبقه‌بندی شده و دارای سود مشخصی باشند. این سود، از ابتدای کار متعلق به افرادی است که به نام آنها سپرده‌گذاری انجام شده است. در مواردی مانند وقفیات، ممکن است نظارت یا مدیریت با نهادهای خاصی مانند اوقاف باشد؛ اما نکته کلیدی اینجا است که پول این موقوفات کاملاً متعلق به صاحبان آنها بوده و بانک نمی‌تواند تمامی این سپرده‌ها را به صورت واحد مدیریت کند. فرایند کار باید در بانک‌ها به وضوح تعریف شود تا از سردرگمی جلوگیری گردد. اگر این فرایندها مشخص نباشند، ممکن است ابهاماتی برای سیستم بانکی یا حتی برای ناظران مرتبط ایجاد شود. بهتر است برای حل چنین مشکلاتی، سازوکاری تدوین گردد و در قالب یک شیوه‌نامه همراه با دستورالعمل‌های مشخص ارائه شود. این شیوه‌نامه می‌تواند به صورت پیوست در اختیار قرار داده شود تا به طور شفاف جزئیات نحوه عملکرد مشخص گردد. اما مساله این است که چگونه سود حاصل از منابع وقفی مدیریت گردد.

عرب مازار: سوالی که مطرح شده، این است که آیا وقف پول به لحاظ شرعی امکان‌پذیر است یا خیر؟ این موضوع یک مسئله فقهی است و نیاز به بررسی دقیق دارد. البته من دقیقاً نمی‌دانم که آیا این سوال به همین شکل مطرح شده است یا خیر. اما اگر سوال این باشد که در صورت امکان‌پذیری وقف پول، نحوه مدیریت آن در سیستم بانکی چگونه خواهد بود، آن وقت پاسخ به این سوال دیگر صرفاً با «افتتاح یک حساب سرمایه‌گذاری» حل نمی‌شود، زیرا در صورتیکه شرط شود که اصل پول برداشت نشود، بایستی قوانین و چهارچوب‌های دقیق برای آن تعیین گردد. همچنین اگر قصد بهره‌برداری از سود آن باشد، باید مکانیزم‌های واضحی برای افزایش شفافیت مطرح گردد. نکته دیگر اینکه اگر هدف حفظ ارزش واقعی پول باشد، موضوع پیچیده‌تر می‌شود و باید رویکردهای متفاوتی در نظر گرفت؛ چرا که مفروضات قبلی احتمالاً شامل چنین شرطی نبوده است.

اسلامیان: به طور کلی، به نظر می‌رسد باید در این زمینه شیوه اجرا به صورت روشن و شفاف تعیین شود تا مشخص باشد که مثلاً اگر کسی مبلغ قابل توجهی را وقف می‌کند و در حسابی مسدود می‌گذارد، چه فرآیندی بر آن اعمال خواهد شد؟ زیرا عقد وقف به گونه‌ای است که هنگامی که مورد وقف به موقوف علیهم منتقل می‌شود، مالکیت از واقف خارج می‌گردد در هر صورت، باقی ماندن ملک بدون مالک معنا ندارد. در این حالت، بانک به عنوان متولی تعیین می‌شود. واقف، خود متولی را معرفی کرده و سازوکاری برقرار می‌کند که بانک به عنوان متولی با سرمایه‌ای مثلاً (ده میلیارد تومان) عملیات مالی مطابق با عقود اسلامی انجام دهد و سود حاصل را به حسابی مشخص واریز کند. این فرایند نیاز به تشریفات دفتری پیچیده ندارد. متولی، وظایف خود را به گونه‌ای انجام می‌دهد که به نظر برسد ملک مانند دارایی شخصی او مدیریت می‌شود. برای نمونه، اگر آن ده میلیارد در سال سودی معادل یک میلیارد داشته باشد، متولی این سود را در جهت اهداف وقف هزینه می‌کند. این روند با هیچ مشکل شرعی مواجه نمی‌شود. با توجه به موضوع مالیت پول و تأثیر تورم بر آن، اگر تورم ۵۰ درصد باشد، شاید بتوان گفت ۵۰ درصد از مالیت پول تلف شده است. این نکته روشن است که پول، بر خلاف اموال دیگری مثل زمین، خانه یا کارخانه که ممکن است ارزش آنها تغییر کند ماهیت متفاوتی دارد.

مصباحی مقدم: توجه بفرمایید که در طول تاریخ فقه شیعه، فقها به این نکته توجه داشتند که ارزش درهم و دینار صرفاً در خرج کردن آنها است. یعنی این امکان وجود ندارد که از درهم و دینار بدون خرج کردن استفاده‌ای برد و فقها به صراحت اظهار نموده‌اند که وقف درهم و دینار موضوعیتی ندارد و امکان‌پذیر نیست. دلیلشان این است که وقف در اصل به معنای نگه داشتن عین مال و بهره‌برداری از منافع آن است و چون عین درهم و دینار با بقای اصل امکان‌پذیر نیست، نمی‌توان آنها را مشمول وقف دانست. در حقیقت، درهم و دینار از نگاه فقها تنها زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرند که خرج یا جابه‌جا شوند. اما در دنیای امروز ما با نوع دیگری از پول هستیم؛ پولی که برخلاف درهم و دینار سنتی، جنبه عینی ندارد و صرفاً به شکل اعتباری و دیجیتالی وجود دارد. پس از تحلیل‌ها به نظر بنده موضوع پول بدون پشتوانه در اینجا وجود دارد که کاملاً فاقد ارزش مصرفی است و صرفاً دارای ارزش مبادله‌ای می‌باشد. یاد می‌آید حضرت مرحوم آقای هاشمی شاهرودی نیز در جلسات ویژه‌ای که درباره مفهوم پول صحبت می‌کردیم، دقیقاً همین موضوع را مطرح و تأیید می‌کردند. در آن زمان به این نتیجه رسیده بودیم که پول صرفاً ماهیتی مالی محض دارد؛ یعنی «مال مطلق» است. این طور نیست که بگوییم بخشی از ماهیت آن مالی است و بخشی غیرمالی؛ یا اینکه بتوان این جنبه‌ها را از هم تفکیک کرد. پول ذاتاً مال است و کاهش ارزش آن نیز به نوعی نقص مال محسوب می‌شود. در مقایسه با کالاهای دیگر، این مسئله متفاوت است. اما آنچه مقام معظم رهبری به عنوان «بقاء مالیت» به آن اشاره کردند، اهمیت حفظ این مالیت است. ما باید تلاش کنیم ارزش پول و مالیت آن حفظ شود و این یکی از اصول حیاتی در مسائل اقتصادی است. مشکلاتی که در کشور ما یا حتی در جاهای دیگر جهان ایجاد شده، اغلب ناشی از کاهش ارزش پول یا تورم است.

بنابراین، مفهوم بقاء مالیت، دقیقاً به حفظ ذات و ماهیت این پول اشاره دارد. البته این بقاء مالیت به این معنا نیست که ارزش آن باید دقیقاً معادل ارزش اولیه در زمان وقف باقی بماند؛ چرا که با گذشت زمان، ارزش هر چیزی ممکن است کاهش پیدا کند و این یک حقیقت اجتناب‌ناپذیر است. موضوع فعلی ما اصلاً این نیست که بخواهیم نظر فقهی بدهیم، چون از ما استفتاء نکرده‌اند تا بخواهیم فتوا صادر کنیم. آنچه از ما خواسته‌اند این است که با توجه به تأیید مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه امکان وقف پول با در نظر گرفتن بقاء مالیت وجود دارد، این امکان را در نظام بانکی طراحی کنیم. اگر ابعاد این موضوع هنوز روشن نیست، باید توضیح بیشتری ارائه شود؛ اما اگر شفاف است، لازم است تصمیم‌گیری شود و ما هم آماده همکاری هستیم.

واعظی: همان‌طور که اشاره کردید، بحث امروز مربوط به جایز بودن یا نبودن وقف پول و بررسی روایات مرتبط نمی‌شود، چرا که معیار و فتوا مشخص است و مقام معظم رهبری این امر را جایز دانسته‌اند. البته مسئله‌ای که بنده در جلسه قبل هم مطرح کردم، بحث شرط بقاء مالیت پول است که ایشان به آن اشاره داشتند. شما این موضوع را به عنوان تضمین حفظ مالیت تعبیر کرده‌اید، اما مسئله‌ای که باید روشن شود این است که این بقاء چگونه محقق می‌شود و یا اینکه ایشان فرض کرده‌اند مالیت پول به طور طبیعی باقی می‌ماند. به عبارت دیگر، آیا توجیه قابل قبولی برای اثبات بقاء مالیت پول ارائه شده که بتوان نتیجه گرفت وقف آن هم جایز است؟ اما به نظر می‌رسد مسئله شما این است که آیا این فرض بقاء مالیت، شرط صحت وقف است یا خیر؟ مقام معظم رهبری در این رابطه فتوا داده‌اند و به نظر می‌رسد شما هم باید این موضوع را بررسی و احراز کنید. در مورد مسائل مربوط به اعیان نیز بحث‌هایی مطرح شده؛ مثلاً اینکه وقتی یک خانه وقف می‌گردد و با گذر

زمان دچار استهلاک می‌شود، می‌توان از منافی که این خانه دارد برای انجام تعمیرات استفاده کرد و سپس آن میزان از منافع که باقی مانده است را صرف موضوع وقف نمود.

ابوالحسنی: اگر پولی را در بانک سرمایه‌گذاری کنند و این سرمایه‌گذاری با شرایط تورمی همراه شود، سود حاصل از آن ابتدا برای جبران تأثیر تورم صرف شود. مثلاً اگر یک میلیون تومان در بانک قرار دهید، ارزش آن با گذشت زمان و اثر تورم کاهش پیدا می‌کند. برای مثال، اگر ده میلیون تومان امسال در بانک گذاشته شود و بانک سود ۲۵ درصد بدهد، ممکن است در سال بعد ارزش واقعی آن مبلغ ۵۰ درصد کاهش یابد. در چنین شرایطی باید تدابیری اتخاذ شود تا مالیت حفظ گردد یکی از راهکارها می‌تواند این باشد که از ابتدا شرط بگذاریم تا زمانی که سود بانکی از حالت منفی به مثبت تبدیل نشده، امکان استفاده از این سازوکار وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر، برای حفظ ارزش اصل سرمایه، می‌توان آن را به دارایی‌های دیگری مثل طلا یا سایر موارد تبدیل کرد تا از کاهش ارزش آن جلوگیری شود.

مصباحی‌مقدم: اینگونه روش‌ها متنوع هستند و باید انتخاب مناسب را انجام داد. اگر مردم خودشان وارد کسب و کار شوند، نسبت به تورم سود می‌کنند.

حسینی‌پور: در نظام بانکی کشور دو نوع سپرده وجود دارد: سپرده سرمایه‌گذاری و سپرده قرض‌الحسنه، مثل قرض‌الحسنه. وقتی پولی در قالب قرض‌الحسنه به بانک سپرده می‌شود، مالکیت آن به بانک منتقل گردد، زیرا ماهیت آن، عقد قرض است. اما در سپرده سرمایه‌گذاری اینگونه نبوده و رابطه و کالتی بین افراد و بانک برقرار است. موضوع بقاء مالیت نیز از این جهت مطرح نیست که حتی اگر کسی مبلغی مثل ۱۰ میلیارد تومان را در سپرده سرمایه‌گذاری بگذارد می‌تواند از سود و اصل آن به صورت همزمان استفاده کند. متولی وقف نیز این امکان را دارد که از اصل و سود آن برای اهداف مختلف بهره ببرد، مثلاً ساختمانی بخرد یا تجهیزات تأمین کند. حتی اگر فردی تصمیم بگیرد چیزی مثل خودرو وقف کند، این کار هیچ اشکالی ندارد. دقیقاً همان طور که بیان شد، این روش باعث حفظ بقاء مالیت نیز می‌شود.

رضایی: اگر یک میلیارد تومان داشته باشیم و تصمیم بگیریم آن را در بانک بگذاریم تا وقف شود و از طریق آن به افراد قرض بدهیم، هیچ ایرادی در این اقدام متصور نیست. به نظرم این یکی از بهترین کارهایی است که می‌توان انجام داد. قصد داریم به این صورت عمل کنیم که به هر شخص ۱۰۰ میلیون تومان قرض دهیم و بعد از بازگشت مبلغ، همین چرخه را ادامه دهیم. از طرفی، وقتی قرض می‌دهیم، طبق فتوای مقام معظم رهبری، باید اصل پول برگردد؛ اما اگر بخواهیم بخشی از کاهش ارزش پول را جبران کنیم، ممکن است افراد این موضوع را بپذیرند. اما با توجه به وجود تورم، منطقی است که چنین ملاحظاتی داشته باشیم. حالا اگر نظر بزرگان و مسئولان این باشد که نباید چنین مدلی را اجرا کنیم یا بانک‌ها هم محدودیتی قائل شوند و نرخ‌های پایین‌تری مثل ۴ درصد تعیین کنند، باز هم قابلیت پذیرش وجود دارد. با این وجود، همچنان معتقدم که یکی از مؤثرترین راه‌ها برای کمک به افراد نیازمند همین معقوله وقف است؛ یا اینکه قرضی در اختیارشان بگذاریم و بعد پول را در مدت زمانی مشخص بازگردانند، حتی اگر ارزش پول در این فرآیند کاهش یابد.

گاهی اوقات ما چیزی را وقف می‌کنیم و گاهی آن را به تملک جایی در می‌آوریم. مثلاً وقتی برای مسجد یک فرش تهیه می‌کنیم، نمی‌گوییم این فرش موقوف است، بلکه می‌گوییم فرش متعلق به مسجد است. برخی بزرگان بین این دو موضوع تفاوت قائل‌اند. آنها معتقدند اگر چیزی را وقف کرده باشیم و در مسجد قرار دهیم، باید تا زمانی که کاملاً فرسوده شود باقی بماند؛ مگر آنکه شرایط خاصی ایجاد شود. اما اگر چیزی را به مالکیت مسجد درآوریم، با در نظر گرفتن مصلحت مسجد می‌توانیم آن را جایگزین کنیم. همین مسئله در مورد چیزهایی مثل خرید آمبولانس نیز صدق می‌کند. اگر پولی وقف کنیم و با آن آمبولانس بخریم، همچنان می‌توانیم آن را تبدیل کنیم. اینگونه نیست که آمبولانس به صورت دائمی وقف باقی بماند. اگر بعد از مدتی آمبولانس دیگر مناسب یا کارآمد نباشد، می‌توانیم آن را فروخته و به چیز دیگری تبدیل کنیم. در مورد اینکه آیا پولی که وقف می‌شود می‌تواند در بانک نگه داشته شود یا خیر و ماهیت این پول چگونه است، ابهاماتی وجود دارد. بهتر است اینگونه مسائل با دقت بیشتری مطرح و بررسی شوند. حتی اگر ظاهر برخی بیانات مشخص باشد و پاسخ‌هایی در گذشته داده شده باشد، به جهت اختلاف نظرات موجود، خوب است این موضوعات با دفتر استفتائات نیز مشورت شود.

اسلامیان: تا شبهات احتمالی برطرف گردد و پاسخ دقیقی دریافت شود، از دیدگاه عرف و عقلانی، ارزش یا مالیت یک دارایی می‌تواند به مرور زمان تغییر کند یا حتی کاهش یابد. برای مثال، اگر فرض کنیم دارایی به ارزش یک میلیارد تومان دارید که معادل ۵۰ سکه طلا در سال گذشته بوده است، اما امسال فقط معادل ۲۰ سکه است و سال بعد به ۱۰ سکه کاهش یابد، آیا می‌توان گفت مالیت این دارایی کاملاً از بین رفته است؟ یا صرفاً ارزش آن کاهش یافته است؟ این مسئله بستگی به این دارد که آیا فرد همچنان مالک اصل دارایی می‌باشد یا اینکه این کاهش ارزش، به نوعی از بین رفتن مالیت تعبیر می‌شود.

مصباحی‌مقدم: اگر فردی یک میلیارد تومان نقدینگی داشته باشد و این مبلغ را به صورت پس‌انداز در صندوق قرض‌الحسنه، حساب جاری یا حتی در خانه‌اش نگه دارد، یک سال بعد، عرف عقلایی ممکن است نتیجه بگیرد که ارزش این دارایی کاهش یافته و یا بخشی از مالیت آن از بین رفته است. بنابراین، نمی‌توان گفت که مالیت برای چیزی که از نظر اقتصادی نابود شده، قابل توجیه است. بر همین اساس، دیدگاه من این است که دولت مسئول کاهش ارزش پول می‌باشد. اشاره شما به احکام شرعی فقها درباره درهم و دینار فیزیکی نیز به همین بحث مرتبط است. در زمانهای گذشته، موضوع مالیت بیشتر به وجود عینی سکه‌ها گره خورده بود و تغییر فیزیکی آنها مورد توجه بود. اما در دنیای امروز، با وجود پول الکترونیک و سیستم‌های غیرملموس مالی، مفهوم مالیت دیگر به شکل فیزیکی تعریف نمی‌شود. فقها در زمان خود بر عینیت اشیاء تأکید نموده‌اند چون چیزی غیر از آن چندان مورد توجه نبوده است. اما امروز ما با نوعی از دارایی‌ها مواجه هستیم که، مالیت آنها دیگر وابسته به وجود فیزیکی نیست، بلکه به ارزش و اعتبار آنها در یک نظام اقتصادی متکی می‌باشد. این موضوع به طور کلی بر نسبت و ارزش پول در برابر تورم و ماهیت اصلی آن تمرکز دارد. شما می‌گویید که مالیت پول دست شماست و برای دیگران قابل انتقال نیست، مگر اینکه مسئله‌ای در انتقال یا استفاده از آن به وجود بیاید. مشکل اصلی، ارتباط با فتاوی فقها در خصوص جابجایی و کاربرد پول‌های اعتباری است.

عرب مازار: وقتی پول جابجا نمی‌شود، سوال پیش می‌آید که اگر کسی مالی مثل مدرسه را وقف می‌کند، هدفش روشن است که مثلاً بچه‌ها در آن درس بخوانند. یا مثلاً آمبولانسی وقف می‌کنید تا بیماران را جابجا کند. اما وقتی پول وقف

می‌شود، هدف چیست؟ در اینجا هدف بیشتر بر استفاده از منافع آن استوار است، نه خود پول در معنای عینی. یعنی این پول باید به کار انداخته شود تا منافع ایجاد کند. البته، این منافع به صورت کامل جبران نمی‌شوند، خصوصاً در شرایط تورم فعلی.

رضایی: مثال واضح این است که شما امسال با مبلغ خاصی می‌توانید ۱۰ کیلو گرم برنج بخرید، اما سال آینده همان میزان پول تنها معادل ۵ کیلو گرم برنج می‌شود یعنی ارزش عملی آن کاهش یافته، حتی اگر عدد یا «مالیت» پول به ظاهر ثابت بماند. در نهایت، مسئله به رابطه میان سبد کالاها و معادل پولی آنها برمی‌گردد. وقتی این نسبت دچار تغییر می‌شود، به نوعی ارزش نسبی از دست رفته است. سوال اصلی که باید پاسخ داده شود این است که در بیان این موضوع، از کدام اصطلاح یا واژه مناسب‌تر استفاده کنیم تا این تغییر مفهوم را بهتر نشان دهد؟ برنج و سایر کالاها به طور میانگین ۵۰ درصد گران‌تر شده‌اند، یا بهتر بگوییم، ارزش پول ۵۰ درصد کاهش پیدا کرده است. این کاهش ارزش پول در برابر کالاها موضوعی است که باید به آن توجه گردد.

مصباحی‌مقدم: در نظام پولی فعلی، کنترل حجم پول در اختیار دولت و بانک مرکزی است. لذا اگر حجم پول دو برابر شود، ارزش آن نصف می‌شود، البته به فرض اینکه رشد اقتصادی صفر باشد. حتی اگر رشد اقتصادی یک یا دو درصد باشد، تأثیر چندانی نمی‌گذارد. در چنین شرایطی، اگر ارزش پول کاهش پیدا کند، افراد باید بپذیرند که قدرت خریدشان کاهش یافته است.

این‌گونه مسائل ما را با دو مفهوم اصلی در زمینه کالاها مواجه می‌کند: اول، ارزش مالی کالاها و دوم، ارزش مصرفی آنها. ارزش مصرفی معمولاً تغییر چندانی نمی‌کند. برای همین هم فقه اسلامی تأکید می‌کند که اگر کسی یک تن برنج قرض داد، حق دارد همان یک تن برنج را بازپس بگیرد، نه بر اساس تغییرات ارزش مالی آن. نمی‌توان ارزش مصرفی یک کالا را تغییر داد؛ به این معنا که نمی‌توان گفت قیمت یک کالا مثل برنج، زمانی که بنده به شما دادم بیشتر بوده و حالا که شما پس می‌دهید کمتر شده، پس باید تفاوت ارزش را به من بدهید. برای مثال، در شمال کشور معتقدند برخی از انواع برنج، برای غذای ۵ نفر مناسب است و برخی دیگر برای ۶ نفر. این ویژگی‌ها ثابت است؛ یعنی برنجی که ۵ نفر را غذا می‌دهد، همیشه همین ظرفیت را دارد و هیچ وقت برای کمتر از این تعداد مناسب نمی‌شود. این همان ارزش مصرفی است که پایدار باقی می‌ماند، حتی اگر ارزش مبادله‌ای کالا تغییر کند. اما وقتی صحبت از پول باشد، پول ارزش مصرفی ندارد؛ فقط یک ابزار مبادله است. اگر چیزی از ارزش آن کاسته شود، همان ارزش مبادله‌ای است که کاهش یافته و در نتیجه، مال نیز کم شده یا تلف گردیده است.

اینجا دیگر بحث اعیان اموال مطرح نیست، بلکه به نوعی با پولی مواجه هستیم که فاقد عینیت است و ارزش آن تنها در تبادل، معنا پیدا می‌کند. بنده شخصاً پس از بررسی‌های متعدد به این نتیجه رسیده‌ام که موضوعی که مطرح می‌شود مربوط به اصل «مالیت» است، نه میزان مالیت. مراد این است که حتی اگر ارزش پول به تدریج کاهش یابد، مالیت آن همچنان حفظ می‌شود. مهم این است که «باقی بودن» در اینجا به معنای حفظ مالیت است، نه ثابت ماندن ارزش عددی مالیت. اینکه آیا برداشت مذکور درست است یا نه، پیشنهاد می‌کنم در دفتر استفتائات موضوع بیشتر بررسی و نظر قطعی گرفته شود.

ابوالحسنی: در گذشته، پول‌هایی مانند طلا و نقره، علاوه بر ارزش ذاتی و کاربردی، قابلیت «حفظ ارزش» را نیز داشتند. اما امروزه، ارزش پول بیشتر به اعتباری که از سوی جامعه و حاکمیت به آن داده می‌شود وابسته است. این اعتبار اجتماعی تعیین می‌کند که پول به عنوان ابزار مبادله، وسیله‌ای برای سنجش ارزش، یا حتی در شرایط بدون تورم بالا، به عنوان ابزاری برای حفظ ارزش، عمل کند. با وجود این، می‌توان اشاره نمود که در زمان کنونی (قرن بیست و یکم) همه ارزها به نوعی ابزار مبادله شناخته می‌شوند و اگر نتوانند در چرخه اقتصادی نقش ایفا کنند، عملاً کارکرد خود را از دست می‌دهند. همچنین، اگر پول نتواند معیاری برای سنجش ارزش باشد، دیگر کاربردی به عنوان پول ندارد. بنابراین برای ارزشیابی و مقایسه کالاها، باید رابطه‌ای دقیق میان پول و ارزش تعیین گردد، در غیر این صورت نمی‌توان از پول به طور مؤثر استفاده کرد.

مفهوم حفظ ارزش یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های پول است. وقتی صحبت از ارزش می‌شود، چند جنبه مختلف را باید بررسی کرد: اول ارزش خود پول، دوم قدرت خرید پول و سوم، نقش پول در سیستم مالی و مالیاتی. قدرت خرید یعنی چقدر می‌توانیم با مقدار مشخصی از پول، کالا یا خدمات بخریم. برای مثال، اگر امسال با یک میلیون تومان بتوانیم پنج کالا بخریم و سال آینده به دلیل تورم ۵۰ درصد، یا همان مقدار پول فقط چهار کالا بتوان خرید، این نشان‌دهنده کاهش قدرت خرید است.

در این میان، مفهوم مالیات هم وارد بحث می‌شود. آیا تغییر قدرت خرید پول نوعی مالیات محسوب می‌شود؟ یا مالیات به جنبه دیگری از ارزش پول برمی‌گردد؟ اگر قرار باشد ارزش پول بر اساس قدرت خرید ارزیابی شود، هیچ پولی نمی‌تواند به طور کامل ثابت بماند. حتی ارزهای رایج جهانی مثل یورو، دلار یا SDR در طول زمان با تغییراتی همراه می‌شوند؛ معمولاً با افزایش تورم، این ارزش کاهش می‌یابد. این نوسانات در ارزش پول باعث می‌شود که اعتماد عمومی نسبت به آن کم شود و ممکن است پول نقش خود را به عنوان وسیله مبادله از دست بدهد. در این شرایط، افراد به سراغ پول‌های پایدارتر مثل دلار می‌روند. نمونه آن را در آرژانتین دیده‌ایم که به دلیل تورم مداوم، ارزش پول ملی کاهش پیدا کرده و جای خود را به ارزهای خارجی داده است. مبحث تأثیرگذاری نوسانات پولی حتی در مسائل فقهی نیز مطرح می‌شود و موضوعات اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن باید مورد توجه قرار گیرد.

در نهایت، اشاره به ارتباط پول با نظام بانکی نیز ضرورت دارد. اینکه آیا ارتباط مستقیمی بین این دو وجود دارد یا نه و اگر بله، چگونه باید این موضوع مدیریت شود تا اختلالی در سیستم‌های اقتصادی و بانکی ایجاد نگردد؟ اینها مسائل مهمی هستند که نیازمند بررسی دقیق‌تر می‌باشند. ما در اینجا درباره موضوع بانک صحبت می‌کنیم، اما باید توجه داشت که رعایت مسائل فقهی در عملیات بانکی پیچیدگی‌های خاصی دارد فرض کنید شما درباره یک موضوع مانند وقف صحبت کنید و بخواهید آن را در چهارچوب مشخصی اجرا نمایید. در این شرایط، نمی‌توانیم تنها بر اساس یک فتوای شورای فقهی عمل کنیم زیرا این روش می‌تواند کل سیستم را با چالش مواجه کند. بنابراین، نیاز داریم که برای این مسئله شیوه نامه‌ای تعریف نماییم؛ مثلاً مشخص کنیم چه کسانی می‌توانند پول وقف شده را دریافت کنند و روش انتقال چگونه باشد؛ تا از سوء استفاده‌های احتمالی از موضوع وقف جلوگیری شود.

مصباحی مقدم: یک نکته تاریخی جالب این است که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آلهی و سلم، هر سکه طلا برابر با ۱۰ سکه نقره بود، در عصر خلیفه دوم این نسبت به ۱۲ رسید و در دوران مأمون هر سکه طلا معادل ۲۵ سکه نقره شد. اگر امروز بخواهید ارزش اینها را مقایسه کنید، کاهش ارزش پول بسیار کم بوده است. دلیل این موضوع مرتبط با ماهیت عینی درهم و دینار است. نکته دیگری که قابل بحث می باشد، کنفرانس برتون وودز در سال ۱۹۴۴ است، جایی که آمریکا متعهد شد هر ۳۵ دلار معادل یک اونس طلا باشد. اما این نظام در سال ۱۹۷۱ توسط نیکسون لغو شد و از همان زمان ارزش دلار دچار نوسانات زیادی گردید. حال اگر امروز بخواهیم بررسی کنیم، ارزش یک اونس طلا به ۲۷۰۰ یا ۲۸۰۰ دلار رسیده است. این نشان می دهد حتی قدرت خرید و ارزش پولی دلار نیز تحت تأثیر عوامل متعددی قرار گرفته است بنابراین، حفظ ارزش مالی در طول زمان تضمین شده نیست. اگر بخواهید قانونی وضع کنید که ارزش مالی یک واحد پولی همواره ثابت بماند، چنین اقدامی عملاً غیر ممکن است. تورم و بی ثباتی بازار عواملی هستند که نمی توان آنها را نادیده گرفت. به قول کارشناسان حوزه اقتصاد، تورم شدید مساوی با تلف شدن سرمایه بوده و این موضوع بسیار جدی است.

حسینی پور: هدف از ایده وقف پول این بوده که یک حساب مشخص ایجاد شود تا بتوان از آن برای مواردی مانند هزینه های معین، مثل ساخت و ساز یا خرید خودرو، استفاده کرد. مثلاً فردی ده میلیارد تومان واریز کند و مسئول مشخصی تعیین شود تا این مبلغ را صرف این امور مشخص شده نماید.

مصباحی مقدم: ما در حال حاضر نتیجه گیری نمی کنیم و این مباحث را پس از دریافت نظر مقام معظم رهبری پیگیری خواهیم کرد. نکته دیگری هم که مطرح شده این است که موضوع بقاء مالیت هدف اصلی نمی باشد بلکه منظور چیز دیگری است. اگر این مسئله دقیق تر بررسی شود، مثلاً در کمیته فقهی بانک مرکزی در شهر قم و متخصصان اقتصادی و بانکی یا دفتر استفتائات مقام معظم رهبری نیز نظراتشان را ارائه دهند، ممکن است بحث روشن تر شود. مهم این است که نظر دقیق مقام معظم رهبری در مورد مفهوم بقاء مالیت مشخص گردد.

ختم جلسه با صلوات بر محمد و آل محمد.